

### پیامدهای روحی و روانی غفلت از خداوند در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام

حسین منصوری رضی\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

#### چکیده

از موانع سیر انسان به سوی کمال، غفلت است. مطالب گسترده‌ای در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام پیرامون آن آمده است و در بُعد روحی و روانی دارای پیامدهای مهمی می‌باشد به گونه‌ای که گاه، سرنوشت یک انسان را در مسیری عکس مسیر کمال قرار می‌دهد. این نوشتار با رویکرد تحلیلی - توصیفی با تکیه بر روایات حضرت علیه السلام بر آن است که به پیامدهای روحی و روانی غفلت از خداوند بپردازد. با تأمل در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام معلوم می‌شود دل‌مردگی، کبر و غرور، خود فراموشی، دوری از کرامت انسانی از پیامدهای روحی و روانی غفلت است. از آن رو که علم به پیامدهای یک امر مذموم راهی جهت انذار از آن است. در موضوع پیش روی این نوشتار نیز، علم به پیامدهای غفلت در حقیقت حذر دادن از وقوع آن در حیات انسان‌ها خواهد بود.

#### واژگان کلیدی

غفلت، پیامدهای روحی، پیامدهای روانی، امیرالمؤمنین علیه السلام.

\*. سطح ۴ حوزه علمیه، کارشناسی ارشد نهج البلاغه.

## مقدمه

امروزه با توجه به نیاز مبرم جامعه به آموزه‌های ناب دینی به‌ویژه، آموزه‌ها و معارف اخلاقی بر گرفته از کلام اهل بیت (علیهم‌السلام)، بسیار مناسب است که برخی از موضوعات مهم و کاربردی در زمینه اخلاق مطرح گردیده و به صورت یک نسخه شفابخش در اختیار افراد نهاده شود.

از آنجا که غفلت از خداوند با درجات گوناگون خود در بسیاری از افراد وجود داشته و بسیاری از افراد نمی‌دانند که به غفلت دچار شده‌اند چه بسا، دچار پیامدهای ویران‌گر روحی و روانی غفلت از خداوند قرار بگیرند.

غفلت از شئون نفس، ملازم با فراموش کردن خدا، شمرده می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص. ۳۱۸) شیطان همواره در حال غفلت انسان از خداوند به او حمله می‌کند چون در حال غفلت شیطان را نمی‌بیند و آن دشمن قسم خورده به اندازه غفلت انسان از خداوند به او صدمه می‌زند. شیطان لحظه‌ای از وسوسه کردن دست نمی‌کشد و همه شبانه روز با سواره و پیاده نظام خود به دنبال منحرف کردن انسان از صراط مستقیم است از این روی غفلت انسان از خداوند و پیروی از شیطان رابطه مستقیم و دو سویه با یکدیگر دارند.

به همین سبب امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«مَأْمِنٌ طَيْرٍ يَأْدُنِي بَرٌّ وَلَا يَجْرُ وَلَا يَأْدُنِي شَيْءٌ مِنْ أَوْحُوشِ إِلَّا بَتَضْيِيعِهِ التَّسْبِيحِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۶۱،

ص. ۲۴)

هیچ مرغی به تیر صیاد گرفتار نیاید جز در حال غفلت از خدا! و هیچ انسانی آسیب نمی‌بیند مگر در حال غفلت از خداوند.

خداوند متعال درباره غفلت نکردن از یاد و نام خویش می‌فرماید:

«وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ»

(قرآن کریم ۷: ۲۰۵) پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش!

علامه طباطبایی در کتاب المیزان فی تفسیر القرآن بیان می‌دارد آیه در صدد بیان توجه به یاد

خداوند متعال و غافل نبودن از ایشان است و می‌فرماید:

«قسم الذکر الی ما فی النفس و دون الجهر من القول: ثم أمر بالقسمین، و أما الجهر من القول فی

الذکر فمضرب عنه لا لأنه لیس ذکرا بل لمنافاته لأدب العبودیة» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۸، ص. ۳۸۲)

بنابراین، آیه در صدد بیان این مطلب است که انسان در هر حالی نباید از خداوند متعال غافل باشد به ویژه، با توجه به جمله «وَلَا تُكِنُّ مِنَ الْعَافِلِينَ» که صریح در نهی از غفلت از یاد و نام خداوند متعال است. امام صادق (علیه السلام) نیز دستور پرهیز از غفلت به ما داده و می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْعَفْلَةَ فَإِنَّهُ مَنْ عَفَلَ فَأَيَّمَا يُعْفَلُ عَنْ نَفْسِهِ» (برقی، ۱۳۷۱، ج. ۱، ص. ۱۸۱) از غفلت بپرهیزید؛ زیرا به زیان جان شماست.

### بیان مسأله

در عین فراوانی متون دینی و دستورات جزئی اسلام در موضوعات اعتقادی، فقهی و اخلاقی که در صدد جامعه ای پویا و مطابق با دین را به ارمغان آورد اما مشاهدات در عرصه های مختلف بیان گر فاصله فراوان رفتار و کردار انسان ها با متون دینی است. یکی از عناصر اساسی که سبب ایجاد فاصله میان افراد و تحقق این داده ها شده است، مسأله غفلت از خداوند است. به راههای ازاله غفلت در آثار متعددی پرداخته شده است. از جهت نظری، علم به پیامدهای یک امر مذموم راهی جهت انذار دادن از آن است. در موضوع پیش روی این نوشتار نیز، علم به پیامدهای غفلت در حقیقت حذر دادن از وقوع آن در حیات انسان ها است. این نوشتار با تمرکز بر روایاتی است که از بیان حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رسیده است.

### پیشینه تحقیق

موضوع پیامدهای روحی و روانی غفلت از خداوند، از موضوعاتی است که در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشهود است و مورد استناد علمای علم اخلاق قرار می گیرد. در این باره آثاری نیز به رشته تحریر در آمده است:

— سید مهدی موسوی کاشمیری (۱۳۸۷) در کتابی با عنوان «غفلت، علل و آثار آن» به بررسی مباحث کلی در باب مفهوم غفلت و مصادیق آن پرداخته و اموری که غفلت به آن تعلق می گیرد را معرفی کرده است. آنگاه به عوامل پیدایش غفلت در فرد و اجتماع پرداخته و پیامدهای خرد و کلان آن را بیان می کند. زیرا هدف آن آگاه سازی و بیداری عمومی و جهانی مردم از طریق رسانه است تا قدرت های بزرگ بذر غفلت را بین مسلمانان نیفشانند.

— علیرضا بهبودی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «غفلت ریشه رذائل اخلاقی» ریشه مشترك رذائل اخلاقی بر اساس آیات و روایات و سخنان اندیشمندان اسلامی، را غفلت می داند. و سعی دارد ضمن شناخت لازم از رذیله کلیدی غفلت؛ به اقسام و زمینه های آن، و راه های درمان آن بپردازد. لذا رویکرد



او بر محور کتاب و سنت بوده و تا حد امکان از ورود به مباحث اخلاق فلسفی و عرفانی، اجتناب کرده است. زیرا هدف او شناساندن غفلت به عنوان ریشه و عامل اصلی دیگر رذائل اخلاقی است که نقش کلیدی در به وجود آمدن آنها دارد.

— علی قنبریان (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان «آثار و نتایج یاد و غفلت از خداوند» سعی بر این دارد تا از بحث‌های پیچیده و علمی، به دور و فقط به شرح و تبیین آیات به زبان ساده و عامیانه بسنده کند. زیرا هدف این کتاب بیان فواید یاد خدا و بیان مضرات غفلت از خداوند می باشد نه بحث‌های علمی با استدلال‌ها و نقض و ابرام‌های مختلف.

در جست‌وجویی که صورت گرفت، معلوم گردید درباره این موضوع به طور مستقل و جامع تحقیق نشده است و توجیهی نیز در این باره به نظر نمی‌رسد. از این رو، شاید این نوشته به جهتی تمرکز در بحث پیامدهای روحی و روانی غفلت از خداوند و از سویی به دلیل نگاه منحصر به کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) کاری نو باشد و خلأیی را در این زمینه پر کند.

### مفهوم شناسی غفلت

#### معنای لغوی

غفلت از ماده «غفل» به معنای رها کردن چیزی از روی فراموشی و چه بسا از روی عمد. (ابن فارس، ۱۴۱۳، ج. ۴، ص. ۳۸۶) آن چیز را رها کرد و از یادش رفت. (ابن منظور، ۱۹۹۴، ج. ۱۱، ص. ۴۹۷) فراموشی‌ای که به خاطر کم‌حافظه بودن و کم‌هوشیاری برای انسان عارض می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۵، ص. ۶۰۹) پنهان شدن چیزی از خاطر انسان و به یاد نیاوردن آن، البته گاهی هم درباره شخصی استعمال می‌شود که چیزی را به خاطر سهل‌انگاری و روی‌گردانی از آن، رها می‌کند (فیومی، ۱۴۰۸، ج. ۲، ص. ۴۴۹)

#### معنای اصطلاحی

مراجعه به سخنان ارزشمند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در زمینه غفلت، مشاهده می‌گردد که غفلت در کلام ایشان به سه معنا آمده است:

#### ۱- به معنای فراموشی

روایاتی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وجود دارد که دلالت می‌کند بر این که، غفلت به معنای فراموشی است.



«وَيْلٌ لِّمَنْ غَلَّتْ عَلَيْهِ الْعُقْلَةُ فَنَسِيَ الرَّحْلَةَ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۷۲۷، ح. ۲۹) وای به حال کسی که غفلت بر او چیره شود در نتیجه، مرگ و کوچ از جهان را فراموش کند و آماده رفتن نگردد. همچنین «وَأَوْصِيكُمْ بِذِكْرِ الْوَيْتِ وَإِقْلَالِ الْعُقْلَةِ عَنْهُ» (خطبه ۱۸۸) شما را توصیه می‌کنم که همواره به یاد مرگ باشید، و کمتر آن را فراموش کنید.

به روشنی پیداست که واژه غفلت در این دو روایت، به معنای فراموشی به کار برده شده است. به گونه‌ای که در روایت اول، به صراحت اشاره شده است «فَنَسِيَ الرَّحْلَةَ» یعنی، نتیجه این غفلت، فراموشی زاد و توشه اخروی است. و در روایت دوم هم، به قرینه واژه «ذکر»، واژه «غفلت» به کار برده شده است که بیان‌گر این معناست که مراد از غفلت در این جا، فراموشی است.

## ۲. به معنای عدم توجه

در این جا، به چند روایت از کتاب شریف نهج البلاغه و غرر الحکم و درر الکلم در این باره اشاره می‌کنیم: «إِنَّ كَانَ فِي الْعَافِلِينَ كُيِّبَ فِي الذَّاكِرِينَ وَإِنْ كَانَ فِي الذَّاكِرِينَ لَمْ يَكْتَبْ مِنَ الْعَافِلِينَ» (خطبه ۱۹۳) «انسان متقی» اگر در بین افراد غافل قرار گیرد در زمره افرادی است که به یاد خدا هستند و اگر در بین ذاکرین خدا قرار بگیرد از غافلین نخواهد بود. در این خطبه از نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) واژه «الْعَافِلِينَ» را قرینه واژه «الذَّاكِرِينَ» آوردند که همین بهترین دلیل است بر این که، معنای غفلت در این جا، عدم توجه است چون، ذاکر به معنای توجه داشتن، به یاد داشتن و متوجه بودن است.

حضرت در خطبه دیگر می‌فرماید: «فَأَفِقْ أَيُّهَا السَّامِعُ مِنْ سَكْرَتِكَ وَاسْتَقِظْ مِنْ غَفْلَتِكَ» (خطبه ۱۵۳) پس ای شنونده از بیهوشی ضلالت و گمراهی، به هوش بیا و از خواب غفلت و بی‌خبری خود بیدار شو. امام (علیه السلام) با خطاب ندایی تأکید می‌ورزند که انسان باید از بی‌خبری و بی‌توجه بودن نسبت به اتفاقات و نعمت‌های پیرامون خود و نیز، نسبت به آینده اخروی خویش دقیق و حساس باشد و به دقت و با توجه کافی به آن‌ها بپردازد.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در جای دیگر می‌فرماید:

«صَادُوا الْعُقْلَةَ بِالْيَقْظَةِ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۴۲۷، ح. ۳۱) به وسیله بیداری با بیهوشی و بی‌خردی

بستیزید.

حضرت با به کار بردن واژه «الْيَقْظَةُ» در صدد بیان این معنا بودند؛ یقظه که به معنای بیداری و آگاهی یافتن از چیزی است، حالت غفلت و عدم توجه را از بین می‌رود و درواقع، توجه انسان متمرکز آن مطلب خاص می‌شود.

### ۳- به معنای گمراهی

در اینجا به چند روایت اشاره می‌گردد.

«الْكُفْلَةُ ضَلَالَةٌ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۲۵، ح. ۲۴۸) بی‌خبری و ناآگاهی، گمراهی است، «كَسْبُ الْعَقْلِ الْاِعْتِيَاذُ وَالاسْتِظْهَارُ وَكَسْبُ الْجَهْلِ الْعَقْلَةُ وَالْاِعْتِرَازُ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۵۳۷، ح. ۸) حاصل کار عقل، عبرت گرفتن و پشتیبیان بستن در گرفتاری‌ها است و نتیجه کار جهل، گمراهی و فریب خوردن است.

در همه این روایات، غفلت به معنای گمراهی آمده است که در واقع، بیان‌گر این مطلب است که اگر انسان از خداوند متعال غافل باشد، دچار گمراهی خواهد شد.

### پیامدهای روحی و روانی غفلت

انسان از دو بُعد جسمی و روحی تشکیل شده است که هیچگاه نمی‌توان آن دو را به طور کامل از یکدیگر منفک دانست هر بُعد مکمل بُعد دیگر و با دیگری پیوستگی کامل دارد. (نصرالله، ۱۳۸۹، ص.

۱۶۸)

همه موجودات زنده امکان مبتلا شدن به بیماری‌های جسمانی را دارند، اما انسان علاوه بر بیماری جسمی، در معرض ابتلا به بیماری‌های روحی و روانی هم هست. انسان در هر آیین و کیشی و در هر زمانی، هنگامی که به یک بیماری جسمی مبتلا شود، به حکم فطرت، و به مقدار فکر و فهم خود تلاش می‌کند تا خود را درمان کند و نیازی به تذکر برای پیگیری آن ندارد، چون بیماری را برای حیات و زندگی جسمی خود مضر می‌داند. از این روی بیماری نسبت به روح و روان انسان هم تصور می‌شود. یک بیماری که انسان را از نظر حیات معنوی و الهی تهدید می‌کند غفلت از یاد خدای متعال است. لذا قرار و آرامش انسان حاصل نمی‌شود مگر او و پیگیری همه مطالب و مقاصدش در پرتو توجه به خداوند و ربط با ذات اقدس الهی که هستی نامحدود است واقع شود. (رحمتی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱)

بنابراین از پیامدهای غفلت از خداوند پیامد روحی و روانی آن می‌باشد که مربوط به روح و روان انسان است و انسان را از درون ویران و موجب نگرانی‌ها و اضطراب‌های بسیاری در او می‌شود همین

امر باعث شده این دسته از پیامدها از اهمیت خاصی برخوردار باشند. زیرا قلب انسان در اثر این حالت، همواره از نگرانی و اضطراب آکنده است تا آن که در سیر حرکت خویش به خداوند در نقش مبدأ و مقصد همه جهان هستی و جامع همه کمالات وجودی توجه کند.

اکنون به مهم‌ترین پیامدهای روحی و روانی غفلت اشاره می‌کنیم:

#### ۱- دل‌مردگی

مهم‌ترین و خطرناک‌ترین پیامد روحی و روانی غفلت دل‌مردگی است که مرکزی‌ترین و اصلی‌ترین بخش وجودی انسان یعنی، روح و قلب او را هدف می‌گیرد.

قلب انسان مرکز و کانون ادراکات و احساسات است. از این رو کسانی که در مسیر انسانیت و طهارت حرکت می‌کنند دل خود را صاف و نورانی و گسترده می‌سازند تا جایی که معرفت خالص خداوند و محبت ناب او را در دل پذیرا می‌شوند و هدایت و رحمت او را می‌طلبند در مقابل پیش گرفتن راه حیوانیت و آلودگی‌ها. موجب بیماری دل و ضعف و در نهایت مرگ دل می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص. ۳۹۱-۳۹۲) زیرا خداوند راه تغذیه قلب که ادراکات و معارف حق است می‌بندد و بخاطر کارهای ناشایستی که انسان انجام می‌دهد خداوند دلش را بیمار می‌کند. (فرهادیان، ۱۳۹۳، ص. ۵۷) به همین جهت دل‌مردگی در افراد غیر مذهبی بیشتر از افراد مذهبی است. و تردیدی نیست که وضعیت افراد متدین نسبت به افراد غیر دینی از جهات اخلاقی و روانی مناسب‌تر است و افراد مذهبی آرامش بیشتری در شرایط مختلف زندگی احساس می‌کنند (میرحسینی، ۱۳۸۴، ص. ۲) زیرا دینداری موجب اهتمام بیشتر دینی می‌شود به گونه‌ای که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر می‌سازد. (شجاعی زند، ۱۳۸۴، ص. ۴) روانشناسان غربی چون ولیام جیمز (William James)، کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung)، آلفرد آدلر (Alfred Adler)، گوردن ویلارد آلپورت (Gordon Willard Allport)، آبراهام مزلو (Abraham Maslow) و اریک فروم (Erich Fromm) همانند روانشناسان اسلامی از آرامش روحی و روانی بیشتر افراد دیندار سخن گفته‌اند. (معتدی شملزاری، اژه‌ای، آزاد فلاح و کیامنش، ۱۳۸۴، ص. ۴۵) از همین روی به روایتی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اشاره می‌کنیم که به مقوله دل‌مردگی اشاره دارد: «مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْغَفْلَةُ مَاتَ قَلْبُهُ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۶۱۵، ح. ۷۸۰) اگر غفلت بر کسی غلبه کند، دلش می‌میرد.

در واقع، از این سخن امام (علیه السلام) این‌گونه می‌توان برداشت نمود که مراد از مُردن قلب، همان محجوب شدن قلب با پرده‌های حجاب است که در اثر غفلت به وجود می‌آید و اجازه تأییدن نور بصیرت را به آن

نمی‌دهد. یعنی، اگر کسی دچار غفلت شود، درچه‌های قلب او به سوی نورانیت حق و حقیقت بسته شده و در نتیجه، قلب او دچار مرگ معنوی می‌شود. در حقیقت، مُردن قلب نتیجه بی‌بصیرتی است و بی‌بصیرتی هم، نتیجه غفلت.

## ۲- تکبر و غرور

غرور، فریفتگی به امور پوچ و بی اساس است که باعث می‌شود انسان از یاد خدا غافل گردد. (زندگی شفیع، ۱۳۹۶، ص. ۱۹) و بر اثر آن، قدرت لا یزال الهی را هیچ یا کوچک می‌پندارد و خودش را صاحب قدرت و مستقل فرض می‌کند در طول تاریخ بشریت انسان‌های متکبر و مغروری در بین جوامع بشری وجود داشته‌اند و چند صباحی مستکبران زندگی کرده‌اند اما در نهایت با فرارسیدن اجل به اصل خویش که همان خاک است برگشتند.

فیلیپ چارد (Philip Chard) می‌گوید تکبر و غرور، چه فردی و چه جمعی، بطور تهدید آمیزی راه را برای سقوط بیشتر امپراطوری‌های بزرگ دنیا هموار کرده است. (اریک دایسون، ۱۳۹۶، ص. ۱۶) و متفکران غربی چون آگوستین (Augustine)، توماس آکونیاس (Thomas Aconias) و پاپ گریگوری اول (Pope Gregory I) آن را به مانند بی‌حرمتی به خدا در خودداری از تسلیم شدن در برابر حاکمیت الهی خداوند، می‌بینند که انسان را ترغیب می‌کند جانشین خداوند شود. (سحاب مکمل، ۱۳۹۹، ص. ۸) همچنین نویسندگانمانند هومر (Homer)، هرودوت (Herodotus)، آیسخولوس (Aeschylus) آن را رذیلتی بنیادی و سر منشأ قضاوت اخلاقی ضعیف می‌دانند. (اریک دایسون، ۱۳۹۶، ص. ۱۹)

از این روی می‌توان گفت تکبر و غرور از مرض‌های قلبی است که انسان را از درون تهی می‌کند و اعمال و رفتار انسان را نابود می‌کند و در حقیقت به جای اینکه پروردگار بی‌همتا را پرستش کند از نفس، مال، مقام و علمش بُتی ساخته و آنها را عبادت می‌کند. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵، ص. ۵۰۱) و به جهت غفلتی که در او است، خیال می‌کند که آن چیزها واقعیت دارد و حالت و رفتاری را از خود بروز می‌دهد. (سحاب مکمل، ۱۳۹۹، ص. ۷)

بنابراین انسان متکبر هیچ ارتباطی با خالق خویش برقرار نمی‌کند و زنجیر ارتباط با ذات یکتا و منبع فیض الهی را گسسته نگه می‌دارد از این روی نوک پیکان غفلت از خداوند به خلق و خوی انسان متکبر متوجه است و او را به ورطه بی‌اخلاقی‌ها سوق می‌دهد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید:



«الْعَفْلَةُ تَكْسِبُ الْإِعْتِرَارَ وَتُدْنِي مِنَ الْبُؤَارِ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۱۲۱، ج. ۲۱۱۴) غفلت از خدا، غرور و تکبر می آورد و به هلاکت نزدیک می سازد.

همان گونه که امام علی<sup>علیه السلام</sup> اشاره فرمودند، غفلت عامل کبر و غرور است یعنی، تکبر و مغرور شدن نتیجه غفلت از خداوند است که انسان را به تدریج به نابودی می کشاند. مراد از هلاکت و نابودی در این جا، نابودی جسمی و مادی نیست بلکه، مراد این است که غفلت با ایجاد کبر و غرور، روح و روان انسان غافل را نابود می کند.

### ۳- خودفراموشی

خودفراموشی یکی از مسائل مهم انسان شناختی و از مفاهیم مهم علوم انسانی است. اصطلاح امروزی آن «از خود بیگانگی» یا به دیگر سخن «الیناسیون، Alienation» است که در عصر کنونی طرح شده و مورد توجه فیلسوفان و عالمان علوم انسانی قرار گرفته است. (حیدری فر، مجد فقیهی و حسنی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۵)

مارکسیسم از خود بیگانگی را عامل خداپرستی می داند و چنین می پندارند که توجه به خدا و دین، زمینه از خود بیگانگی را فراهم می آورد و به دیگری وابسته می سازد. (بدوی، ۱۹۸۴، ج. ۲، ص. ۲۱۴-۲۱۳ و ۴۲۰) فیلسوفان و نظریه پردازانی غربی همانند فریدریش هگل (Friedrich Hegel)، کارل مارکس (Karl Marx) و لودویگ فویرباخ (Ludwig Feuerbach) نیز بر این باور می باشند. (حیدری فر، مجد فقیهی و حسنی، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۱) در حالی که این سخنان دقیقاً نقطه مقابل بینش اسلامی می باشد که خدافراموشی را زمینه خودفراموشی می داند. (سبحانی، ۱۳۸۳، ج. ۱۳، ص. ۳۲۰)

بنابراین به دنبال خدا فراموشی است که انسان مبتلا به خودفراموشی می شود. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (قرآن کریم ۵۹: ۱۹) هم چون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خودفراموشی گرفتار کرد.

از این روی خودفراموشی کیفر خدافراموشی و ترک و رها کردن حق خدای سبحان و معصیت پروردگار است که به واسطه این گناه آدمی از خیر و ثواب محروم می گردد و به دیگر سخن دچار خودفراموشی و از خودبیگانگی می شود. (طوسی، بی تا، ج. ۹، ص. ۵۷۱)

بنابراین کسانی که مبتلا به خودفراموشی هستند ارزش ها، استعدادها و لیاقت های ذاتی خود را فراموش می کنند و خود را در تاریکی ها سرگردان ساخته و حقیقت بلند و ملکوتی خویش را در میدان



پستی و پلشتی به بازی می‌گیرد. و سبب منقطع شدن ارتباط انسان با حقیقت وجودی خود می‌شوند و چون حقیقت فطری انسان آینه‌ای است برای تماشای مبدأ و معبود هستی، با تیره شدن این آینه ارتباط انسان با خدا نیز قطع می‌گردد.

از این روی هرگاه انسان، خدای خویش را از یاد برد، خدا نیز او را از یاد می‌برد و از رحمت بی‌کران خویش دور می‌سازد و درخت جان او می‌خشکد؛ زیرا خمیرمایه جان آدمی با خداجویی و خداخواهی و گرایش او سرشته شده است؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۱۳-۱۲) از این رو خدافراموشی زمینه‌ساز خودفرااموشی و از خودبیگانگی است. بر این اساس شهید مطهری می‌فرماید: خودفرااموشی یعنی اینکه انسان وقتی خودش را نشناسد، حقیقت خودش را نشناسد، مسیر خودش را نشناسد، خودش را چیزی بیندازد غیر از آنچه که هست، پس خودش را گم کرده، خودش را فراموش کرده است. (مطهری، ۱۳۷۷، ج. ۲۷، ص. ۱۶۶) امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ نَسِيَ اللَّهَ سَجَّاتُهُ أَنْسَاهُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاعْمَى قَلْبُهُ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۶۴۴، ج. ۱۲۲۲) هر که خداوند سبحان را فراموش کند، خداوند نیز، خودش را از یاد او ببرد و دلش را کور گرداند. امام (علیه السلام) به روشنی اشاره می‌فرماید نتیجه غفلت از خداوند متعال واکنش عکسی است که خداوند متعال در قبال بنده غافل انجام می‌دهند.

البته اگر انسان مورد غفلت خداوند متعال قرار بگیرد بسیار زیان‌بارتر است زیرا اگر خداوند متعال کسی را به حال خودش رها نماید در حقیقت به خودفرااموشی مبتلا شده است و خداوند متعال کاری کرده است که او حتی از بدیهی‌ترین امور فطری خود که همان میل به خالق یکتا داشتن است غافل باشد. جوادی آملی می‌فرماید:

اگر انسان توجه به خود کند نفس او مرآت و آینه‌ای است که شناخت آن جدای از شناخت خدا نیست، به دلیل همین وحدت و پیوند ناگسستنی است که فراموشی خدا موجب فراموشی خود نفس می‌گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج. ۱۳، ص. ۳۵۹)

#### ۴- دوری از کرامت انسانی

آنچه که موجب گردیده تا انسان بتواند به عنوان موجودی ارزشمند به برطرف کردن نیازهای روحی و جسمی خود پردازد دست‌یابی به کرامت والای انسانی می‌باشد که در ادیان الهی بخصوص اسلام به آن بسیار تاکید شده است. (الهی پور، فیلم و احتمالی، ۱۳۹۵، ص. ۲)

کرامت انسانی از موضوعات اخلاقی است که ارتباط مستقیم با روح و روان آدمی دارد و یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های حقیقت انسان به شمار می‌رود. در واقع کرامت انسان، یک اعطای الهی است.



یعنی خداوند انسان را به گونه ای آفریده که دارای این کرامت است. هدفی دارد که برترین هدف خلقت، یعنی تقرب الی الله و دیدار خداوند می باشد.

فیلسوف مشهور اسلامی، ملاصدرا از کرامت انسان با تعبیر «خليفة الله» یاد می کند و معتقد است، استحقاق انسان برای خلافت، فقط به دلیل علو مقام او بر سایر موجودات نیست، بلکه به دلیل جامعیت وجودی انسان است. در واقع کرامت و خلافت انسان از آثار و نتایج کرامت الهی است. (ملاصدرا، ۱۴۱۹، ص. ۲۹۷) فیلسوف غربی مارکوس سیسرون (Marcus Cicero) نیز معتقد است انسان موجود صاحب کرامتی است و از ارزش خاصی برخوردار و کرامت حق طبیعی و ذاتی انسان می باشد. (محمد پور دهکردی، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۲-۲۱۱) جوادی آملی می فرماید: ذات اقدس الهی به انسان کرامت داده است. کرامت، ناظر به شرافت ذاتی شیء است که ویژه اوست و مقایسه با غیر در آن لحاظ نمی شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص. ۲۱۶) از این روی انسان هر قدر به خدا نزدیک شود کرامت او هم بیشتر می شود و هر قدر که از خداوند دور شود، کرامت انسانی او هم کاهش می یابد.

بنابراین، غفلت از خداوند سبب از دست دادن کرامت نزد پروردگار است. انسان کریم، خدایی را که کریم ترین است و کرامت و موهبت او است، فراموش نمی کند بر این اساس یکی از خطراتی که در کمین کرامت و شخصیت انسانی قرار دارند و آن را به جد تهدید می کنند غفلت از خداوند است.

در اهمیت کرامت انسان همین بس که خداوند متعال در قرآن کریم آن را مطرح نموده و با این بیان به آن اشاره می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرُوجِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (قرآن کریم ۱۷: ۷۰) همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب ها حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه روزی شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری کامل دادیم.

در کلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز، به موضوع غفلت از خداوند که موجب دور گشتن از کرامت انسانی می شود اشاره شده است و حضرت می فرماید:

«إِنَّكُمْ لِلنَّجَاةِ طَالِبِينَ فَارْقُضُوا الْعُقَلَةَ وَاللَّهُوَالزُّمُوَالْإِجْتِهَادَ وَالْحِدَةَ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۲۵۸، ج. ۳۶)

اگر شما طالب رستگاری هستید غفلت و بازی را ترك کرده، از جد و کوشش در اصلاح نفس خود جدا نشده و ملازم او باشید.

امام (علیه السلام) در این روایت، شرط احراز رستگاری و نجات را که یکی از مصادیق کرامات انسانی است، ترک غفلت معرفی می‌فرماید. بنابراین، این خطر برای همیشه انسان غافل را تهدید می‌کند که اگر نخواهد از عالم غفلت بیرون بیاید و به عالم بصیرت بپیوندد، هرگز رنگ سعادت و رستگاری را نخواهد دید. در روایتی دیگر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «شِيمَةُ الْعَقْلَاءِ قَلَّةُ الشَّهْوَةِ وَقَلَّةُ الْغَفْلَةِ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۴۱۴، ح. ۲۲) کاستن از شهوت و غفلت، روش خردمندان است.

از کلام امام (علیه السلام) می‌توان استنباط نمود یکی از نشانه‌های خردمندان که انسان‌هایی با کرامت نفس بالا هستند این است که همیشه به دنبال کاستن از غفلت خود هستند. یعنی تمام نگرانی این افراد گرفتار نشدن در دام غفلت از خداوند است تا بدین وسیله از خداوند متعال دور نشوند و مورد بی‌اعتنایی حضرت حق تعالی قرار نگیرند.

### نتیجه‌گیری

آشنایی با پیامدهای هر امر مذمومی، عاملی است جهت فاصله گرفتن از آن. این نوشتار گامی است در تحقق زدودن غفلت از جامعه مؤمنین. زیرا که به پیامدهای روحی و روانی غفلتی می‌پردازد که در صورت عدم توجه به آن، امکان جای ماندن بندگان را از هدف آفرینش که بندگی است محتمل می‌سازد. دل‌مردگی، مبتلا شدن به کبر و غرور، خودفراموشی که از پیامدهای غفلت است عواملی است در دوری از مسیر بندگی خداوند. هر یک از موارد مذکور نقش بسزایی در انحطاط و خروج از طاعت الهی دارد. در روایات به نقش دل‌مردگی در دوری از خداوند (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۳۲۹)، تکبر در دوری از رحمت خداوند (صدوق، ۱۳۶۸، ص. ۲۷۵)، و خود فراموشی در دوری از خداوند (آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۶۴۴، ح. ۱۲۲۲) اشاره شده است، و دوری از خداوند و رحمت او در واقع تحقق این انحطاط است. از این رو توجه به موضوع غفلت در حیات بشر و پیامدهای آن گامی مهم در ایجاد بندگی در زندگی بشری خواهد بود.

## منابع

### قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه، شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، تصحیح: صالح، صبحی، قم: هجرت.
۲. ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۴۱۳ق، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالمعرفة.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۹۹۴م، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
۴. اریک دایسون، مایکل، ۱۳۹۶ش، غرور از مجموعه هفت گناه کبیره، ترجمه: مهین خالصی، چاپ دوم، تهران: ققنوس.
۵. اسماعیلی یزدی، عباس، ۱۳۸۵ش، فرهنگ اخلاق، قم: انتشارات جمکران.
۶. آمدی، عبد الواحد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح: سید مهدی رجائی، قم: دار الکتب الإسلامی.
۷. بدوی، عبدالرحمن، ۱۹۸۴م، موسوعة الفلسفیه، بیروت: المؤسسة العربیه للدراسات النشر.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیه.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵ش، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۵ق، المفردات فی غریب القرآن، قم: ذی القربی.
۱۱. زندی شفیخ، هاجر، ۱۳۹۶ش، معنا شناسی و اژه غرور و کار کردهای آن در قرآن کریم با تکیه بر تفاسیر ادبی، کرمانشاه: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۱۲. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۳ش، منشور جاوید (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۸ش، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: رضی.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. فرهادیان، رضا، ۱۳۹۳ش، مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، چاپ پنجم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.



۱۷. فیومی، أحمد بن محمد بن علی المقرئ، ۱۴۰۸ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، بیروت: المكتبة العلمية.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، طهران: دار الکتب الإسلامية.

۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۰. محمد پور دهکردی، سیما، ۱۳۹۱ش، *کرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا و کانت*، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.

۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۲ش، *انسان سازی در قرآن*، تصحیح: محمود فتحعلی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ~~رحمته~~.

۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷ش، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.

۲۳. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن الکریم*، تصحیح: محمدجعفر شمس الدین، بیروت: دارالتعارف.

#### مقالات

۲۴. الهی پور، حمیدرضا؛ فیلم، محمد رضا و احتمالی، اسماعیل، ۱۳۹۵ش، کرامت انسانی از منظر اسلام، *دومین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه ریزی فرهنگی اجتماعی ایران*.

۲۵. حیدری فر، مجید: مجد فقیهی، محمدعلی و حسنی، محمد، ۱۳۹۶ش، خودفراموشی و زمینه های آن با تأکید بر آیه ۱۹ حشر، *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات تفسیری*، دوره ۸، شماره ۲۹.

۲۶. رحمتی، اعظم، ۱۳۹۸ش، تأثیر دینداری بر کاهش افسردگی، *سومین کنفرانس دانش و فناوری روانشناسی*، علوم تربیتی و جامعه شناسی ایران.

۲۷. سحاب مکمل، نرجس، ۱۳۹۹ش، مسئله غرور در آیه ۱۸ سوره مبارکه لقمان و بررسی نظرات اندیشمندان و روانشناسان ایرانی و غربی، *هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران*.

۲۸. شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۸۴ش، مدلی برای سنجش دینداری در ایران، *مجله جامعه شناسی*، دوره ۶، شماره ۱.

۲۹. معتمدی شملزاری، عبدالله: اژه ای، جواد: آزاد فلاح، پرویز و کیامنش علیرضا، ۱۳۸۴ش، بررسی رابطه بین گرایش های مذهبی و سالمندی موفق، *مجله دانشور رفتار*، سال دوازدهم، شماره ۱۰.

۳۰. میر حسینی، سید احمد، ۱۳۸۴ش، دین و درمان افسردگی، *مجله علمی پژوهش های فقهی*، شماره ۳.
۳۱. نصر الله، نرجس، ۱۳۸۹ش، بررسی روانشناسی تربیتی از نگاه قرآن، *فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اسلامی*، شماره ۱۹.